۱۳۸۵/۱۲/۱۵

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: رساله تعدیلات قمر

مؤلف متن .... محشی ....

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر .... نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: مختلف السطور

جزء کتب: هیئت (نجوم) زبان: فارسی عدد اوراق: ۸۵ ۱۳۹

طول: ۲۱ عرض: ۱۶ شماره عمومی: ۲۲۸۳۶

وقفی / خریداری: مرحوم سید عبدالباقی آیة اللهی شیرازی تاریخ وقف / خریداری: اسفند ۱۳۷۶

ملاحظات: مجموعه رسالات به ... خلاصه ... از شیخ بهائی

وقف بر آستان حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام

واقف: مرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی

هو الله تعالى

هذا هو الكتاب
الموسوم بخلاصة الحساب
للشيخ بهاء الدين

وبه نستعين

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك يا من لا يحيط بجميع نعمه عدد ولا ينتهي تضاعف قسمه الى امد ونصلي على
سيدنا محمد النبي المجتبى وعترته الاربعة المتناسبة اصحاب العبا وبعد
فان افقر العباد الى الله الغني بهاء الدين محمد بن الحسين العاملي انطقه الله بالصواب يوم
الحساب يقول ان علم الحساب لا يخفى علو شانه وسمو مكانه ونباهة شانه ووثاقة
دلائله واتفاق اكثر من العقلاء والنظار وانعطاف جم غفير من المعاملات عليه وهذه
رسالة حوت الاهم من اصوله ونظمت المهم من ابوابه وفصوله وتضمنت منه فوائد
لطيفة هي خلاصة كتب المتقدمين وانطوت منه على قواعد شريفة هي نبذة رسائل
المتأخرين وجعلتها تحفة للحضرة هي كعبة المحتاج ان لم تكن كعبة الحاج و
مشعر الكرام ان لم يكن مشعر الحرام ثمرة شجرة السلطنة القاهرة بدر سماء الدولة
الباهرة شمس فلك العز والجلال مطلع شمس العظمة والاقبال منبع بحار الفضل

والافضال

والافضال مركز دائرة الفخر والكمال رافع اعلام شريعة جده سيد المرسلين ناشر
آثار آبائه والائمة المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين السلطان ابن السلطان
ابن السلطان ابي الغالب سلطان حمزة بهادرخان الا ان الحضرة العلية وسدة السنية
لرحال الآمال بالنبي محمد وآله خير آل فاني لما اكتحلت بطلعتها الزهراء واستسعدت بعزتها
الغراء فكرت في شيء يليق ان يهدى الى العتبة اهل لان يعرض عليه فلم ار شيئا يليق من
اهداه الى خدام ذلك الباب الا ما يناسب الحال من رسالة او كتاب فان وقع في
حيز القبول وهو غاية المأمول ونهاية المسؤول وسميتها خلاصة الحساب ورتبتها
على مقدمة وعشرة ابواب **مقدمة** الحساب علم يستعلم منه كيفية استخراج المجهولات
العددية من معلومات مخصوصة وموضوعه العدد الحاصل في المادة كما قيل ومن ثم عد
الحساب من الرياضي وفيه كلام والعدد قيل كمية يطلق على الواحد وما تألف منه
فيدخل الواحد وقيل نصف مجموع حاشيتيه فيخرج وقد يتكلف لادراجه ببذل
الحاشية الكسرية والحق انه ليس بعدد وان تألف منه الاعداد كما ان الجوهر الفرد عند
مثبتيه ليس بجسم وان تألف منه الاجسام وهو اما مطلق فصحيح او مضاف الى ما
يفرض واحدا فكسر وذلك الواحد مخرجه والمطلق ان كان له احد الكسور التسعة
او جذر فمنطق والا فاصم والمنطق ان ساوى اجزاءه فتام او نقص عنها فزائد او زاد

پل و سی پیل نه از نصف النهار بطول موضع سواس چی پور که به مقدار کهری دو و دوازده پل و سی پیل نامست
از موضع زند یعنی شاهجهان اباد بطرف شرق واقع شده اوساط عطارد و مکمل کنیم با ینصورت عمل کردیم

16

بمقابله شانزده سال ناقصه محمد شاهی	ما لح کط مه کا	ح ح نر له یخ	اه لط صه که
بمقابله شهر ذی قعده ناقصه	مه ما انج کا	فهو	یح و
بمقابله تاریخ ۳۰ ناقصه	ما لح م صه ه	دنا	و مو
بمقابله هفت کهری ناقصه	کد لح مو	۰	ا ید
بمقابله ۴۰ پل ناقصه	ا مه کا		
بمقابله ۳۱ پیل ناقصه	۱۰		
بجهت تفاوت طولین جمع بمقابله ... پل و پیپل ناقصات	نا		
بجمع ارقام سبعه حاصل شده اوساط عطارد بعد از رفع [illegible]	ح لا ما نه	ح ح یخ له مه	اه ح لیه
دقایق یومی تعدیل الایام نقصانی هست	اه یا نقصانی		
حصه این دقایق از وسط عطارد	ا یه نقصه		
شد وسط معدل به تعدیل الایام	سا یو کا ح		

فصل دویم در استخراج تقویم سفلیین یعنی عطارد و زهره و عرض انها چون اوساط سفلیین در وقت مطلوب
بموضع مطلوب حاصل کرده باشند و بجهت دقایق تعدیل الایام معدل ساخته اوج را در زیر وسط نویسند بجهت نقصان
وان را از وسط نقصان کنند تا مرکز حاصل شود پس از مرکز تعدیل اول کوکب بگیرند اگر کوکب از شش برج کم باشد این تعدیل
را از وسط و مرکز بکاهند والا زیاده کنند تا وسط معدل بتعدیل اول حاصل کرد پس راس را بیاریم و از وسط معدل به تعدیل
اول نقصان کنیم تا حصة العرض حاصل شود پس از حصة العرض تعدیل دویم و زاویة العرض کوکب برگیریم انگاه به تعدیل
دویم وسط و مرکز معدل بالتعدیل الاول را موافق نوشته جدول بزیاده یا نقصان معدل سازند تا وسط معدل

به تقویم

به تعدیل دوم و مرکز معدل به تعدیل دویم حاصل شود باز تقویم افتاب را اورده شش برج بران بیفزاییم یا کم سازیم
تا در هر دو صورت نظیر تقویم افتاب حاصل شود پس نظیر تقویم افتاب را از وسط معدل به تعدیل دویم نقصان کنند و
باقی را زاویة الشمس نام کنند و در بیان زاویة الشمس تحقیقی در علویه گذشته است پس این زاویة الشمس را
تنصیف کنند و از مقدار نصف الزاویة المذکوره قوس منتج به دست اریم پس تمام این قوس منتج تا نود بگیریم پس
از تقویم افتاب اوج افتاب را کاسته مرکز مقوم حاصل کنیم و بنویسیم و از این مرکز مقوم افتاب بعد افتاب
بعد افتاب حاصل کنند پس تمام زاویة العرض تا ربع دور بگیریم و جیب این تمام را حاصل کنیم و بمرکز معدل
بتعدیل دویم در جدول بعد کوکب در امد بعد الکوکب حاصل نماییم پس جیب و بعد مذکور را با هم ضرب کنیم پس
حاصل ضرب را بر شصت یعنی جیب اعظم قسمت کنیم و خارج را نگاه داریم باز بعد مرکز افتاب از مر
کز زمین را در شصت یعنی جیب اعظم ضرب کنیم و حاصل را بران خارج که نگاه داشته اند قسمت کنند
و خارج را در جدول ظل معکوس کنند و چهل و پنج درجه ازین قوس نقصان کنند و ظل این باقی ست نند ظل
ظل تمام قوس منتج الی الربع را نیز بگیرند و این هر دو ظل را با هم ضرب کنند و حاصل را بر شصت یعنی جیب
اعظم قسمت کنند و خارج را در جدول ظل معکوس سازند و این قوس را از تمام قوس منتج کم سازند باقی
زاویة العرض باشد پس درجات این زاویه اگر زیاده از کط باشند بروج سازند و به بینند اگر وسط معدل
بتعدیل دویم المنقوص منه نظیر الشمس که زاویة الشمس نام دارد در نصف اول باشد بروج و درجات این زاویة الاختلاف
را از تقویم شمس نقصان کنند والا افزایند تقویم سفلیین باشد و برای عرض جیب زاویه زمان را در ظل زاویه عرض
ضرب کنند و حاصل را بر جیب زاویه افتاب قسمت کنند و خارج را در جدول ظل معکوس کنند عرض
کوکب حاصل شود اگر حصة العرض کم از شش برج است شمالی باشد والا جنوبی

ادجدول ...

بعض یکمرتبه منحط کرده نگاه داریم ...

وسط معدل به تعدیل الایام عطارد حاصل کرده بودیم	ح یا لط یح
اوج را در زیر وسط اورده	ح ح یخ له
باقی ماند مرکز عطارد	یا یو ی ح

الشهور	[illegible]
اسامی	[illegible]
المركز	[illegible]
ع اول	[illegible]
خاصه	[illegible]
معدل خاصه	[illegible]
حصص	[illegible]
اختلاف	[illegible]
مضروب	[illegible]
تعدیل ثانی	[illegible]
تعدیل اول	[illegible]
مرکز معدل	[illegible]
مرکز مقوم	[illegible]
اوج	[illegible]
تقویم مقوم	[illegible]
بهر	[illegible]